



مَنّت

منت در معانی متعددی همچون: **قطع کردن**، **نقص وارد کردن** و غیره به کار رفته است. منت در اصطلاح به صورتی اطلاق می‌شود که شخص **خوبی و احسان** خود را به رخ احسان شده بکشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - منت در لغت
- ۲ - منت در اصطلاح قرآنی
- ۳ - تعبیر منت درباره خداوند
- ۴ - منت از منظر قرآن
- ۵ - واژه منت و مشتقات آن در قرآن
- ۶ - اقسام منت
 - ۶.۱ - منت فعلی
 - ۶.۲ - منت قولی
- ۷ - دلایل منت گذاری
 - ۷.۱ - عزت بخشی
 - ۷.۲ - تحقیر
- ۸ - پیامدهای منت انسانها بر یکدیگر
 - ۸.۱ - ضایع شدن اعمال
 - ۸.۲ - ایجاد زمینه رشد
- ۹ - مشمولان منت‌های الهی
 - ۹.۱ - موسی و هارون
 - ۹.۲ - یوسف و برادرش
 - ۹.۲ - مؤمنین و موارد منت خدا بر آنها
 - ۹.۲.۱ - منت بر تألیف قلوب
 - ۹.۴ - منت بر ارسال رسل
 - ۹.۵ - منت بر ایمنی از عذاب
 - ۱۰ - پانویس
 - ۱۱ - منبع

منت در لغت

منت از ریشه "منن" از کلمات اضداد به شمار می‌رود و لذا معانی متعدد و متفاوتی را از جمله: قطع کردن، نقص وارد کردن، حساب کردن، فوت دادن، **تضعیف** نمودن، **نعمت** بخشیدن، نعمت محدود و احسان کردن برای آن ذکر کرده‌اند؛ که در این میان معانی "قطع کردن" را می‌توان به عنوان معنای جامع و مورد اتفاق اکثر لغویین [۱][۲][۳] برای این **واژه** دانست. اما برخی اصل آن را از "من" دانسته، به معنی **سنگی** که با آن وزن می‌کنند، که بعداً در نعمت سنگین استعمال شده است. [۴][۵]

منت در اصطلاح قرآنی

منت در اصطلاح قرآنی، به صورتی اطلاق میگردد که شخص احسان کننده، احسان خود را به رخ احسان شده، بکشد؛ مثلاً بگوید: این من بودم که چنین و چنان احسانی به تو کردم، و یا به صورتی عمل نماید که حاکی از همین سخن بوده و نعمتش مکدر شود و از نظر او بیفتد که از آن به "**منت قولی**" نیز تعبیر می‌کنند. [۶][۷]

تعبیر منت درباره خداوند

اما منت در مورد **خداوند**، در اصطلاح قرآنی به معنی نعمت بخشی است که از آن به "**منت فعلی**" تعبیر می‌کنند. [۸]

منت از منظر قرآن

یکی از صفاتی که **قرآن کریم**، آن را **نکوهش** کرده و **مؤمنین** را از ارتکاب آن **نهی** نموده، **إظهار و ابراز نعمت**، پس از **بخشش** آن است؛ چرا که بروز این صفت **قیح** در اعمال انسان، نشانگر وجود صفات خطرناک دیگری است که به عنوان ریشه‌های این صفت مطرح گردیده و در صورت شیوع این صفت در رفتار انسان، اثرات بسیار زیانباری را به دنبال خواهد داشت که آگاهی از آنها موجب **نجات از هلاکت** است؛ [۹]

لذا قرآن با آگاهی دادن به **مؤمنان**، آنها را از این صفت بر حذر داشته و عوامل و آثار آن را یادآوری می‌نماید که در ذیل به آن اشاره می‌گردد. [۱۰]

واژه منت و مشتقات آن در قرآن

واژه منت و مشتقات آن ۲۵ مرتبه در قرآن تکرار شده که ۱۱ مورد از آن مربوط به **منت خداوند** بر بندگان بوده و ۸ مورد از آن مربوط به منت‌های بندگان و یا نهی بندگان از منت نهادن بر دیگران است که نشان از اهمیت این موضوع دارد.

اقسام منت

منت از لحاظ تحقق خارجی، دارای دو قسم فعلی و قولی می‌باشد:

← منت فعلی

یکی از اقسام منت، منت فعلی است که به تحقق **انعام** و احسان در خارج به صورت فعلی و حقیقی گفته می‌شود؛ مثل اینکه شخصی بدیگری نعمت زیاد و ارزشمندی بدهد که می‌گویند: فلانی بر فلانی منت گذاشت. لذا این قسم از منت، نه تنها قبیح نیست بلکه **پسندیده** نیز می‌باشد، و **منت‌های خداوند** بر بندگان نیز از این قسم می‌باشند: [۱۱]

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» [۱۲]

«خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید)...»

← منت قولی

این نوع منت، به اظهار نمودن نعمت سابق و به **رخ کشیدن** آن به صورت زبانی اطلاق می‌گردد که از نظر قرآن امری قبیح بوده و از آن نهی شده است؛ زیرا اولاً منافات با **اخلاص** و **تقرب** داشته و ثانیاً بندگان در انعام استقلال ندارند؛ بلکه **تفضل** و توفیقی است که خداوند به آنان عنایت فرموده و ثالثاً آنچه بخشیده، از خود او نیست، بلکه از آن خداست و از سویی موجب **تحقیر** و شرمندگی طرف مقابل شده و **نواب** آن را ضایع می‌کند. در **مَثَل** گویند: «الْمَنَّةُ نَهْمُ الضَّيْعَةِ» (منت خوبی را از بین می‌برد). البته، در یک مورد دارای **قیح** نبوده و **استثنا** شده که اگر شخصی به **کفران نعمت** بپردازد، جهت متوجه کردن او، منت **حایر** و **نیکو** می‌گردد. در **مَثَل** گویند: «إِذَا كَفَرْتَ التَّعْمَةَ حَسُنَتْ الْمَنَّةُ» (اگر نعمت کفران شود، منت نیکو است). [۱۳]

دلایل منت گذاری

منت نهادن با توجه به شرایط افراد، از دلایل خاصی ناشی می‌شود، که برخی از آنها در راستای رشد و عزتمندی انسان است که منت‌های خداوند بر انسانها از این قسم به شمار می‌رود و برخی دیگر در جهت تحقیر انسان‌هاست. در این مقاله به دو مورد اشاره می‌گردد:

← عزت بخشی

یکی از اهداف خداوند بر منت نهادن بر بندگان، **عزت** دادن به بندگان **ضعیف** و **ذلیل** می‌باشد:

«وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنََّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» [۱۴]

«ما می‌خواهیم بر **مستضعفان** زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»

مراد از منت در این **آیه** شریفه، "**منت فعلی خداوند**" است که بندگان ضعیف خود را که در دست‌ان ظالمان خوار شده‌اند، به قدرت رسانده و **وارث** ستمگران نماید. [۱۵]

← تحقیر

سرزنش و تحقیر افراد، یکی از دلایل منت نهادن و به رخ کشیدن احسان، در بین انسان‌هاست:

«قَالَ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلْنَا وَوَلَدْنَا وَابْنَاتِنَا فَعَمَّرَكُنَّ سِنِينَ» [۱۶]

«(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در **کودکی** در میان خود **پرورش** ندادیم، و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبود؟!»

این سخنان فرعون مصر، در برابر **حضرت موسی**، نوعی **استفهام انکاری** است که او برای تحقیر و خوار کردن موسی، بر احسانهای گذشته خود به او تأکید نمود. [۱۷]

پیامدهای منت انسانها بر یکدیگر

منت نهادن پس از انعام و احسان، دارای پیامدها و آثاری است؛ اما با توجه به این نکته که منت در برخی موارد پسندیده و در برخی دیگر **ناپسند** بوده، آثاری که بر آن مترتب می‌گردد نیز متفاوت بوده که در اولی مثبت و در دومی دارای آثار منفی خواهد بود. به اختصار به دو مورد اشاره می‌شود:

← ضایع شدن اعمال

ضایع شدن **اعمال نیک** از جمله آثار منفی منت نهادن بر دیگران است. اگرچه احسان به دیگران امری پسندیده و دارای فواید بسیاری برای هر دو طرف می‌باشد، اما این فواید و آثار مثبت با **منت** نهادن، **ضایع** و **باطل** می‌گردد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي تُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ...» [۱۸]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که **مال** خود را برای نشان دادن به مردم، **انفاق** می‌کند...»

در این **آیه** انفاق با منت را به **عمل ریائی** تشبیه نموده، که فاقد اخلاص است؛ لذا موجب **بطلان عمل** می‌شود. [۱۹]

← ایجاد زمینه رشد

یکی از آثار مثبتی که برای "منت فعلی" می‌توان تصور کرد اینست که، با منت نهادن و **بخشش** بر گناهکاران و حتی دشمنان، می‌توان زمینه را برای **رشد** و

هدایت آنها آماده نمود. قرآن در این رابطه می‌فرماید:

«فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَنتَحَمْتَهُمْ فَبَشِّرُوهُم بِأَلْوَابِهَا فَمَا بَعْدَ وَاِمَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَصَعَ الْحَرْبُ أَوْرَاقَهَا...» [۲۰]

«و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ رو به‌رو شدید، گردن‌هایشان را بزنید، تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سپس با بر آنان ممت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیة بگیرید، تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد...»
در این آیه ابتدا سخن از کشتن کفار و اسیر کردن آنهاست، اما بعد از بیان این دستورات الهی، سخن از آزاد سازی به میان آورده، چرا که این امر می‌تواند موجب تغییر در نوع فکر اسراء کفار و گرایش قلوب آنها به سوی اسلام باشد. [۲۱]

دستور کشتن مربوط به زمانی است که هنوز جنگ خاتمه نیافته و ادامه دارد، اما دستور اسیر گرفتن آنها مربوط به بعد از در هم شکستن قطعی دشمن است؛ چون اقدام به اسیر کردن سربازان دشمن، قبل از در هم شکستن آنها، موجب تزلزل سپاه اسلام و باز ماندن از وظیفه اصلی آنها می‌گردد و حکم آزاد سازی اسیران مربوط به زمانی است که جنگ به طور کامل خاتمه یافته است. لذا خداوند دستور می‌دهد تا زمانی که توان مقابله دشمن از بین نرفته و جنگ به طور کامل نخوابیده، باید کشتار و اسارت دشمن تداوم داشته باشد. [۲۲]

مشمولان منت‌های الهی

قرآن برخی از منت‌های خداوند متعال را به صراحت بیان نموده و افرادی را نام برده است. در این نوشتار به بیان چند مصداق بسنده می‌کنیم:

← موسی و هارون

حضرت موسی و برادرش هارون از جمله اشخاصی هستند که خداوند به منت خود بر آنها اشاره می‌کند:

«وَلَقَدْ مَتَّأْنَا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ آيَتِكَ مَا يُوحَىٰ» [۲۳]

«و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم، آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود، الهام کردیم.»

این نعمت بخشی مربوط به جریان ولادت حضرت موسی است که خداوند با نهایت لطف و محبت خویش، زمانی که فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت، او را در خانواده دشمن خونخوار (فرعون) حفظ نموده و از مرگ نجات داد. [۲۴]

«وَلَقَدْ مَتَّأْنَا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ نَصَرْنَا لَهُمْ فَكَتَبْنَا لَهُمُ الْغَالِبِينَ» [۲۵]

«ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم؛ و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم!»

این آیه در مورد لطف خدا بر موسی و هارون است که خداوند این دو بزرگوار را مشمول نعمتی کرد که هر گونه آزار واذیت را از اینها قطع نمود؛ یعنی موسی و هارون و مؤمنان را از شر و آزار فرعونیان نجات داده و با [[معجزات]] روشن، نصرت بخشید. و اگر از این نعمت عظیم تعبیر به "منت" شده چون منت به معنای قطع کردن است. [۲۶]

← یوسف و برادرش

حضرت یوسف و برادرش (بنیامین) نیز از کسانی هستند که بنابر نص قرآن، مشمول منت خداوند گشته‌اند:

«...قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا...» [۲۷]

«...گفت: (اری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما ممت گذارد...»

وقتی برادران یوسف بعد از سالهای طولانی که به دلیل حسادت، ایشان را به چاه انداخته و از خانواده و پدرشان دور کرده بودند، در حالی به ایشان رسیدند که او فرمانروای مصر بود، با شدت تعجب «گفتند: آیا تو همان یوسفی؟» [۲۸]

حضرت یوسف در پاسخ برادران، به منت بیکران الهی اشاره نموده و تمام موهبت‌های خداوند را که شامل نجات وی از سختی‌های طاقت فرسا شده و در نهایت رسیدن ایشان به مقام خزانهداری و حکومت بر مصر را، منت الهی در حق محسنین می‌داند؛ کسانی که از صبر و تقوای مستمری برخوردارند که

برادرانش نیز به این حقیقت اعتراف کردند: [۲۹]

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاتَاكَ اللَّهُ عَلِيمًا وَ إِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ» [۳۰]

«گفتند: به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده و ما خطاکار بودیم.»

← مؤمنین و موارد منت خدا بر آنها

اشاره به مواردی از منت‌های خداوند بر مؤمنان بر اساس کلام الهی:

← منت بر تألیف قلوب

خدای متعال گاهی با ایجاد الفت بین گروه‌های مؤمنین، منت نهاده و می‌فرماید:

«وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» [۳۱]

«و دل‌های آنها را باهم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است، صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!»

این آیه اشاره به منت خداوند بر پیامبر اسلام است. عنایت بیکران الهی موجب ایجاد الفت بین دو قبیله اوس و خزرج شد که سال‌های متمادی در حال جنگ بوده و دشمن خونین یکدیگر بودند، تا اینکه خداوند دل‌های آنان را به هم نزدیک نموده و آنان با ندای توحید در برابر دنیای شرک به پشتیبانی پیامبر، صف کشیده و قیام نمودند. [۳۲]

← منت بر ارسال رسل

یکی از منت‌های عظیم الهی بر بندگان مؤمن، فرستادن رسولان جهت هدایت و تربیت آنهاست:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ...» [۳۳]

«خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت...»

این آیه به بعثت پیامبر اسلام(ص) در میان اعراب اشاره می‌کند. پیامبری که از جنس بشر و هم‌زبان با آنها بوده و مهمتر اینکه در مدت کوتاهی آنها را به بهترین وجه تربیت و هدایت نمود و از گمراهی نجات داد و به بالاترین مرتبه عزت رساند. [۳۴]

← منت بر ایمنی از عذاب

منت خداوند بر مؤمنان با داخل کردن آنها در بهشت و حفظ آنها از آفات دنیوی و عذاب اخروی، از جمله نعمت‌های عظیم الهی است:

«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِی أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ وَقَاتَا عَذَابَ السَّمُومِ» [۳۵]

«می‌گویند: ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد!) اما خداوند بر ما ممت نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کرد!»

آیه فوق اشاره به وضعیت مؤمنان در بهشت و گفتگوی آنها با یکدیگر است. اینکه مؤمنان نجات خود را از عذاب کشنده جهنم و منتعم بودن از نعمت‌های عظیم

پانویس

۱. ↑ کتاب العین، ج ۸، ص ۳۷۴.
۲. ↑ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۱۵.
۳. ↑ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۸۲.
۴. ↑ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۱۵-۴۱۹.
۵. ↑ مفردات فی غریب القرآن، ص ۷۷۷-۸۷۷.
۶. ↑ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۸۲.
۷. ↑ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۸۸.
۸. ↑ مفردات راعب، ص ۷۷۷.
۹. ↑ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۱۵.
۱۰. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۶۴.
۱۱. ↑ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۲۵۲-۲۵۵.
۱۲. ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۴.
۱۳. ↑ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۲۵۲-۲۵۵.
۱۴. ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۵.
۱۵. ↑ تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۶.
۱۶. ↑ شعرا/سوره ۲۶، آیه ۱۸.
۱۷. ↑ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۶۰-۲۶۱.
۱۸. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۶۴.
۱۹. ↑ تفسیر روشن، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۶۱.
۲۰. ↑ مجد/سوره ۴۷، آیه ۴.
۲۱. ↑ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، صادقی تهرانی، مجد، ج ۲۷، ص ۸۷-۸۸.
۲۲. ↑ تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۳۹۹-۴۰۱.
۲۳. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۳۷-۳۸.
۲۴. ↑ تفسیر من وحی القرآن، فضل الله، سیدمجد حسین، ج ۱۵، ص ۱۰۸.
۲۵. ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۱۱۴-۱۱۶.
۲۶. ↑ التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۲۲.
۲۷. ↑ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۹۰.
۲۸. ↑ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۹۰.
۲۹. ↑ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۶۴-۲۶۵.
۳۰. ↑ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۹۱.
۳۱. ↑ انفال/سوره ۸، آیه ۶۳.
۳۲. ↑ انوار درخشان، حسینی همدانی، سیدمجد حسین، ج ۷، ص ۳۹۰.
۳۳. ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۶۴.
۳۴. ↑ روان جاوید، ثقی تهرانی، مجد، ج ۱، ص ۵۲۶-۵۲۷.
۳۵. ↑ طور/سوره ۵۲، آیه ۲۶-۲۷.
۳۶. ↑ تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۲۸.

منبع

دانشنامه موضوعی قرآن.

رده‌های این صفحه : علوم قرآن